



قرآن

روشن‌های تربیتی در

آخرین قسمت
عسکری اسلامپور

■ بعضی از الگوهای تربیتی در قرآن کریم

به رغم وجود عوامل محدودکننده انسان مانند وراثت، طبیعت و جامعه انسان می‌تواند به اراده خود مسیر خویش را برگزیند و از حصار عوامل محدودکننده در اطراف خود بیرون آید؛ حتی این توانایی را پیدا می‌کند که سرنوشت جدیدی را برای جامعه و تاریخ خود رقم زند.

برای نمونه: قرآن کریم، همسر فرعون و حضرت مریم را به عنوان الگوهایی برای مؤمنان ذکر می‌کند. آنان با وجود محیط ناسالم، طریق صلاح و رستگاری را برگزیدند.^(۱)

قرآن به تأثیرپذیری انسان از محیط و شرایط گوناگون اذعان دارد و به او نسبت به تأثیرات آنها هشدار می‌دهد. در مورد فرزند حضرت نوح (ع) خداوند به صراحت می‌فرماید: او از اهل تو نیست؛ زیرا به دلیل متأثر شدن از عوامل محیطی ناصالح، از مسیر صلاح و درستی خارج شده است.^(۲)

خداوند متعال به ستایش از جوانان «اصحاب‌کهف» می‌پردازد که با هجرت از محیط فاسد، خود را از عوامل محیطی ناسالم دور ساختند و ایمان خویش را حفظ کردند.^(۳)

می‌توان گفت: اقدام شجاعانه سحره فرعون در زیر پا گذاشتن موقعیت اجتماعی خود و ایمان آوردن به حضرت موسی(ع) الگوی توبه حقیقی برای دیگران می‌شود.^(۴)

به جهت اختصار چند نمونه از الگوهای قرآنی را ذکر می‌کنیم:

■ یوسف، قهرمان مقاومت در مقابل شهوت.^(۵)

■ جوانان کهف، اسوه های مهاجرت در راه خدا برای رشد و هدایت.^(۶)

■ اسماعیل، نماد تسلیم در مقابل فرمان خدا.^(۷)

■ ابراهیم، الگوی فطرت جویی، عادت گریزی و بت شکنی.^(۸)

■ نوح، الگوی پایداری و استقامت در تبلیغ دین.^(۹)

■ ایوب، قهرمان صبر و تحمل در شدايد روزگار.^(۱۰)

■ داود جوان، نمونه شهامت و شجاعت در مبارزه با طاغوت.^(۱۱)

قرآن کریم در همه این موارد می‌فرماید: «... اینان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده است، پس به هدایت آنان اقتدا کن...»^(۱۲)

■ برترین الگوی تربیتی قرآن

قرآن کریم پیامبر اسلام(ص) را سرمشق و الگوی مطلق در همه ابعاد زندگی برای همه خداجویان و کسانی که اعتقاد به رستاخیز دارند، معرفی می‌کند: «بی‌تردید، برای شما در همه ابعاد (چه در صبر و مقاومت و چه در دیگر اوصاف و افعال نیکو) اسوه و الگوی

نمونه در (اقتدای به) رسول خدا(ص) است. برای آن که به ثواب خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.»^(۱۳)

قرآن کریم پیامبر گرامی اسلام(ص) را به عنوان اسوه و الگوی تربیت مردم معرفی می‌کند و از او به عنوان صاحب «خلق عظیم» یاد نموده است: «و تو اخلاق عظیم و برجسته‌ای داری»^(۱۴) در این که مقصود از «خلق عظیم» پیامبر اکرم(ص) چیست؟ اقوالی گفته شده است از جمله:

(الف) تو بر دین بزرگی هستی که دین اسلام است.

(ب) تو متخلق به اخلاق اسلام و بر طبع بزرگی هستی و حقیقت اخلاق آن است که انسان نفس خود را به آن بیاراید.

(ج) خلق عظیم صبر بر حق و بخشش وسیع و تدبیر به اقتضای عقل است.

(د) عایشه گوید: اخلاق پیامبر متضمن بود، آنچه که در ده آیه اول سوره مؤمنون آمده است و کسی را که خداوند ستایش کند بر این که اخلاق بزرگی دارد، دیگر بعد از آن ستایش، ستایشی نیست.

(هـ) خداوند خلق او را عظیم فرموده برای این که با اخلاقی با مردم معاشرت

واژه شناسان و همچنین مفسران، واژه «انذار» را به عنوان بیم دادن و آنچه مردم را فرمود عواقب سوء رفتارشان آگاه می‌سازد، و «تبشیر» را به عنوان آگاهی دادن یا نوید دادن به رحمت و فضل الهی و پیامدهای خوشایند رفتار تعریف می‌کنند.^(۳۱) حتی زمانی که پیامبران الهی (ع) به دلیل سرپیچی مردم اندوهگین می‌شدند، وحی آنها را متقاعد می‌ساخت که موظف نیستند مردم را به قبول رسالتشان وادار کنند؛ تنها رسالت آنها اطمینان از انتقال کلام خدا به مردم بود.^(۳۲)

زمخشری در تفسیر آیه ۱۱۹-سوره بقره، می‌گوید: پیامبران (ع) فقط وظیفه دارند مردم را از سرانجام و عاقبتشان آگاه سازند. بنابراین، پیامبر نمی‌تواند مردم را در ایمان به خدا مجبور سازد. چنان که ذیل آیه شریفه نیز دلالت دارد که به دلیل ایمان نیاوردن دوزخیان، از تو بازخواست نمی‌شود.^(۳۳)

مفسر بزرگ اهل سنت، فخررازی، در تفسیر آیه ۲۱۳ سوره بقره می‌گوید: در این آیه، واژه «مبشیرین» بیش از «منذرین» آمده است؛ زیرا تبشیر بسان پیشگیری از بیماری است، در حالی که انذار همانند درمان بیماری پس از وقوع آن است. بی‌تردید همیشه، تبشیر و پیشگیری قبل از درمان ایفای نقش می‌کند.^(۳۴)

متفکر شهید استاد مطهری (ره) نیز در تفسیری جالب از دو واژه «انذار و تبشیر» می‌فرماید: تبشیر مانند یک عامل جذب و جلب کننده (قائد) است که مردم را به کسب پاداش فرامی‌خواند، اما انذار یک عامل سوق‌دهنده (سائق) است که در عین آن که مردم را بیم می‌دهد تا از کیفر اجتناب کنند، آنها را به صراط مستقیم رهنمون می‌سازد.

بنابراین، بشارت و انذار یا تشویق و تهدید، (انذار و تبشیر) بخش مهمی از انگیزه‌های تربیتی را تشکیل می‌دهد. انسان هم باید در برابر انجام کار نیک تشویق شود و هم در برابر کار بد کیفر ببیند تا آمادگی بیشتری برای پیمودن مسیر اول و گام نگذاردن در مسیر دوم پیدا کند. تشویق به

ناراحت و غمناک مباش، از جمله: «جان خود را بجز خاطر شدت تأسف بر آنها از دست نده که خداوند به آنچه انجام می‌دهند ماست.»^(۳۷)

«گویی می‌خواهی خود را از غم و غصه به خاطر اعمال آنها هلاک کنی، اگر آنها به این گفتار ایمان نیاورند.»^(۳۸)

«گویی می‌خواهی خود را هلاک نمایی که چرا اینها ایمان نمی‌آورند»^(۳۹) این اوصاف برجسته که حرص بر هدایت و تربیت مردم و مهربانی نسبت به مؤمنین و ناراحتی از عدم ایمان کفار و منافقین است، فقط در قرآن برای پیامبر اکرم (ص) ذکر شده است. قرآن کریم دستورات مختلفی به پیامبر اکرم (ص) می‌دهد که مقصود اصلی از آن دستورات، تربیت و تزکیه مردم است که مردم با عمل کردن به این دستورات و فرامین قرآن بتوانند به فضایل و مکارم اخلاق دست یابند.

نگاه معنادار پیامبر اکرم (ص) که از سر عشق و علاقه به انسانها برمی‌خیزد، کافی است انسان را به حرکت درآورد و در صف بلال و سلمان و ابوذرها بنشانند.

امام علی (ع) می‌فرماید: «پیامبر (ص) هر روز یکی از مکارم اخلاقی خود را برای من آشکار می‌ساخت و مرا به پیروی از آن امر می‌کرد.»^(۴۰)

۲- روش انذار و تبشیر

یکی از روشهای مؤثر در تربیت که در قرآن کریم بدان اشاره شده است، «انذار و تبشیر» است. مقصود از انذار بیم دادن و ترسانیدن از عواقب گناهان و اعمال زشت

داشتن و تابش جدا بوده پس ظاهرش با مردم باطنش با خدا بود.

آری، پیامبر گرامی اسلام (ص) به سبب «خلق عظیم» و «رحمة للعالمین» بودن، آینه مکارم اخلاقی برای همگان است، تا آنجا که بارها می‌فرمودند: «من فقط برای تکمیل و تمام کردن مکارم اخلاق مبعوث گشتم.»^(۴۱) و در آیه ذیل، خداوند در اوجی تماشایی، رسولش را به داشتن چشم محبت و رحمت و لطف همراه با شکیبایی با مؤمنان می‌ستاید و به حبیب مهربانش، حضرت محمد (ص)، مباحثات می‌کند: بی‌تردید، پیامبری (حضرت محمد (ص)) از میان خودتان (از بیکره خودتان) به سوی شما آمد است که رنجهای شما بر او به غایت ناگوار است.

قرآن کریم «لقد جاءکم رسول من انفسکم عزیز علیہ ما عنتم حریم علیکم بالمؤمنین رؤف رحیم»^(۴۲) رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنجهای شما بر او سخت است و اصرار به هدایت شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤف و مهربان است، به اندازه‌ای پیامبر اکرم برای هدایت و راهنمایی و رسیدن به سعادت مردم تلاش می‌کرد و غمناک بود که خداوند در قرآن در چند مورد به آن حضرت تسلیت می‌گوید و می‌فرماید:

۵۴۳

صورت مطمئن است که انجام گناه برای او خطری ندارد. از طرفی انداز تنها نیز برای تربیت اخلاقی افراد مؤثر نیست، چون ممکن است روحیه یأس و ناامیدی چنان که در زمان کنونی افراد روانی و مایوس زیاد شدند به وجود آورد.

قرآن کریم در وصف انبیای الهی می‌فرماید: «فبعث الله النبيين مبشرين و منذرين»^(۲۵) خداوند پیامبران را نویددهنده و بیم‌دهنده برانگیخت و نیز می‌فرماید: «و ما نرسل المرسلين الا مبشرين و منذرين»^(۲۶) ما انبیا را نفرستادیم، مگر در حالی که نویددهنده و بیم‌دهنده بودند.

آری، انبیا و رسولان الهی که مربیان حقیقی و معلمان دلسوز بشر بودند از این دو روش برای تربیت اخلاقی و روحی انسانها استفاده کرده‌اند. از نظر قرآن کریم انذار و ترسانیدن تنها در افرادی که روح حقیقت‌طلبی و حقیجویی در آنهاست اثر می‌کند و در افراد معاند و لجوج تأثیر ندارد. چنان که قرآن کریم در چند آیه به این مطلب تصریح می‌کند: «انما انت منذر من يخشيها»^(۲۷) همانا کسانی که خشیت الهی دارند آنها را می‌ترساند و نیز می‌فرماید: «لينذر من كان حيا»^(۲۸) پیامبر به وسیله قرآن، کسانی را که حیات انسانی دارند و قلب آنها سالم و پاک است می‌ترساند.

۳- روش موعظه و اندرز

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر در تربیت روحی انسانها را «موعظه و اندرز» می‌داند و در بسیاری از آیات به آن سفارش نموده گرچه خود قرآن کتاب موعظه و اندرز است که از طرف پروردگار برای شفای بیماری‌های درونی انسان و کسب فضایل اخلاقی نازل شده است. چنان که قرآن کریم می‌فرماید: «يا ايها الناس قد جاءكم موعظة من ربكم و شفاء لما في الصدور»^(۲۹) ای مردم! اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده و درمان آنچه در سینه‌هاست؛ گرچه از این موعظه قرآن فقط اهل تقوا و بهره‌مند می‌شوند. «و موعظة للمتقين» این تعبیر در چهار مورد از قرآن

سراسر سوره لقمان و دیگر قصص قرآن، بیشتر جنبه پند و اندرز دارد. چنان که لقمان حکیم برای تربیت فرزندش او را موعظه می‌نمود: «اذ قال لقمان لابنه و هو يعظه» زمانی که لقمان به فرزندش گفت و حال این‌که او را موعظه می‌کرد، این چنین موعظه نمود: «يا بني لا تشرك بالله ان الشرك لظلم عظيم»^(۳۱) «پسرم! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است. خداوند پیامبر گرامی اسلام (ص) را مأمور به موعظه کرد: «قل انما اعظكم بواحدة ان تعوموا لله مثنى و فرادی»^(۳۲) یعنی بگو: که من شما را به یک موضوع پند می‌دهم و آن این که چه دو نفر باشید چه یک نفر برای خداوند کار کنید.

حکمت بزرگ تربیت در موعظه و اندرزها نهفته است. «در شنیدن اثری است که در دانستن نیست»^(۳۳) مستمع باید پذیرا باشد و واعظ نیز خود الگوی عملی گفته‌هایش باشد. از این روست که موعظه امام علی (ع) در «همام» چنان اثری می‌گذارد، که پس از شنیدن صفات متقین مدهوش گردیده و به لقای خدا می‌پیوندد.

از دیدگاه قرآن کریم، انسان در سراسر عمر، به موعظه و پند و اندرز نیازمند است، چه نوجوان باشد چه عمر او زیاد باشد. بنابراین قرآن موعظه لقمان به فرزند نوجوانش را چنین بیان می‌کند: «پسرم! برای خدا شریکی مگیر، زیرا شرک ستمی بزرگ است»^(۳۴) همچنان که موعظه خداوند به حضرت نوح را که عمر طولانی داشت، نیز بیان می‌کند.^(۳۵)

۴- روش نصیحت و خیرخواهی

یکی از روشهای مؤثر برای تربیت نفس که قرآن بدان اشاره نموده است، روش «نصیحت و خیرخواهی» است. واژه «نصیحت» از ماده «نصح» به معنای خلوص و بی‌غل و غش بودن است. «ناصح العسل» به معنی عسل خالص است و این تعبیر در مورد سخنانی که از روی نهایت خلوص و خیرخواهی گفته می‌شود به کار رفته است. نصیحت و خیرخواهی و ارشاد ارائه راه

مطلوب اولیاء دین به شمار می‌رود. امام سجاد (ع) در فرازی از دعای «مکارم الاخلاق» در مناجات خود با خداوند عرض می‌کند: «وَ اجْعَلْنِي مِنْ اَهْلِ السَّادَةِ وَ مِنْ اَوْلِيَةِ الرَّشَادِ»؛ بارپروردگارا! مرا از ثابت قدمان و ملازمان حق و از راهنمایان به سوی رشد و فضایل اخلاقی قرار ده.^(۳۶)

و نیز در دعای «افتتاح»، بنده سالک از خدا این چنین طلب می‌کند: «اللَّهُمَّ اِنَّا نَرْغِبُ اِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيْمَةٍ تُعْزُبُ بِهَا الْاِسْلَامَ وَ اَهْلَهُ وَ تَذِلُّ بِهَا السُّفَاكَ وَ اَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنْ الدُّعَاةِ اِلَى طَاعَتِكَ وَ السَّقَاةِ اِلَى سَيِّئِكَ...؛ پروردگارا! دولت کریمه‌ای که اسلام و اهلس را به وسیله آن عزت بخشی و نفاق و منافقان را به خاک مذلت نشانی، از تو می‌طلبیم، و در آن حکومت ما را از داعیان و هدایتگران به طاعت خویش و از پیشوایان دعوت‌کننده به راه خود قرار ده.»

قرآن کریم انبیا و پیشوایان دینی را نصیحت‌کنندگان و خیرخواهان بشر معرفی می‌نماید که در سوره «اعراف» قرآن کریم از چهار نفر آنها یاد می‌نماید: حضرت نوح (ع)، حضرت هود (ع)، حضرت صالح (ع) حضرت شعيب (ع). حضرت نوح (ع) می‌فرماید: «ابلغكم رسالات ربي و انصح لكم»^(۳۷) پیامهای پروردگار را به شما می‌رسانم و شما را نصیحت می‌کنم.

حضرت هود (ع) گوید: «ابلغكم رسالات ربي و انا لكم ناصح امين»^(۳۸) رسالت‌های پروردگارم را به شما ابلاغ می‌کنم و خیرخواه امینی برای شما هستم.

حضرت صالح (ع) گوید: «يا قوم لقد ابلغتكم رسالات ربي و نصحت لكم و لکن لا تحبون الناصحين»^(۳۹) ای قوم! من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم. برای شما خیرخواهی را انجام دادم، ولی شما خیرخواهان را دوست ندارید.

حضرت شعيب (ع) گوید: «لقد ابلغتكم رسالات ربي و نصحت لكم»^(۴۰) من رسالت پروردگارم را به شما ابلاغ کردم و برای شما خیرخواهی نمودم. آری، پیامبران الهی برای آگاهی

عنوان یک روش استفاده نموده‌اند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) انسانها را به نصیحت کردن یکدیگر تشویق می‌فرماید: «أَنْ أَعْظَمَ النَّاسَ مَنْزِلَةَ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَمْشَاهِمُ فِي أَرْضِهِ بِالنَّصِيحَةِ لِخَلْقِهِ»^(۳۱) بزرگترین مردم از لحاظ مرتبه نزد خدا در روز قیامت کسی است که برای نصیحت خلق در زمین بیشتر سعی و تلاش نماید. در روایتی از امام صادق (ع) نقل شده که می‌فرماید: «يَجِبُ لِلْمُؤْمِنِ عَلَى الْمُؤْمِنِ النَّصِيحَةُ لَهُ فِي الْمَشْهَدِ وَالْمَغِيبِ»^(۳۲) بر مؤمن واجب است که در حضور و غیاب، خیرخواه مؤمن باشد و نیز می‌فرماید: «عَلَيْكُمْ بِالنَّصِيحِ لِمَنْ فِي خَلْقِهِ فَلَنْ تَلْقَاهُ بِعَمَلٍ أَفْضَلَ مِنْهُ»^(۳۳) بر شما باد به نصیحت کردن مخلوق برای رضای الهی که خدا را به عمل بهتر از آن ملاقات نکنی.

هدف از ارشاد و نصیحت، ارتقای سطح تربیت و فرهنگ و ترویج فضایل اخلاقی و تعظیم شعائر است. گرچه برخاسته از ترک واجب یا ارتکاب کار حرامی نباشد، یعنی لازم نیست تا از شخصی گناه یا ترک واجبی سر زند که به خاطر جلوگیری از آن این کار واجب شود. بلکه بیشترین هدف از این عمل، پیشگیری و ایجاد مصونیت در جامعه، نسبت به جرم و سرپیچی از وظیفه، محسوب می‌شود، و همین نیز تفاوت آن با امر به معروف و نهی از منکر است. و این کاری است بس شریف که هم شکر زبان است و هم زکات دانش.

نکته‌ای که تذکر آن ضروری می‌نماید این است که برخی از مردم وقتی کار خطایی و یا عیبی را از کسی مشاهده می‌کنند، در مقابل چشم دیگران آن را برای وی بازگو می‌کنند و در جمع مردم به او تذکر می‌دهند. این شیوه، گذشته از این که آبروی او را برده و سایر افراد را که ممکن است متوجه خطای او نشده‌اند از عمل و رفتار او آگاه می‌سازد و چنین امری شاید از مصادیق اشاعه فحشاء هم محسوب شود نصیحت و تذکر را بی‌اثر ساخته و ممکن است موجب دشمنی و عداوت او نیز گردد. در حالی که صرفنظر کردن از آن در آن هنگام و یادآوری آن در

دلسوزی خود را ثابت نموده و با جلب اعتماد او، به مقصود تربیتی خود نزدیک می‌شود. امام عسکری (ع) می‌فرماید: «مَنْ وَعَظَ أَخَاهُ سِرًّا، فَقَدْ زَانَهُ وَمَنْ وَعَظَهُ عَلَانِيَةً، فَقَدْ شَانَهُ»^(۳۴) هر کس برادر دینی خویش را در پنهانی پند و اندرز دهد، مایه زینت او شده و کسی که او را در حضور دیگران اندرز دهد، مایه خواری او شده است. این نکته به ویژه در ارتباط والدین با فرزندان خود از اهمیت بسزایی برخوردار است، زیرا پدر و مادر از هر کس بدین امر سزاوارترند که در عین دلسوزی و مراقبت از حال فرزندان خود و هدایت و تذکر به موقع خطاهای آنها، عیب‌پوش جوانان و نوجوانان خویش باشند و نقایص و خطاهای آنان را، نزد هیچ جمعی برملا نکنند.

۵- وصیت به خیر و حق

قرآن کریم، یکی از روشهای مؤثر و مفید در تربیت را مسئله «وصیت» دانسته است. وصیت به عنوان یک روش تربیتی فقط در هنگام مرگ و آن هم برای تقسیم اموال و تعیین تکالیف به کار نمی‌رود، بلکه وصیت که به معنای سفارش و خواستن بعضی از امور است، به صورت گسترده در شریعت اسلام برای بیان وظایف فردی و اجتماعی و رعایت مسایل اخلاقی به کار رفته است. قرآن کریم از حضرت عیسی (ع) نقل می‌کند: «و اوصانی بالصلوة و الزکوة ما دمت حياً»^(۳۵) خداوند به من وصیت و سفارش کرد که تا وقتی زنده هستم، نماز بخوانم و زکات بپردازم.

خداوند به انسان سفارش می‌کند که «و وصینا الانسان بوالديه حسناً»^(۳۶) با پدر و مادر خود به خوبی رفتار کند، ولی اگر آنها فرزندان خود را وادار کنند که: «لتشرك بهی ما لیس لك به علم فلا تطعهما»^(۳۷) آنچه را که نمی‌دانند شریک خدا قرار دهند، در این صورت نباید از آنان اطاعت کند.

قرآن کریم می‌فرماید انسانها در قیامت در خسران و زیان هستند، مگر کسانی که اهل ایمان و عمل صالح باشند و مردم را به حق و حقیقت و صبر و استقامت و فضایل

تربیتی و اخلاقی را به صورت وصیت بیان داشته‌اند. وصیت‌های آن حضرت به تفصیل در کتاب «مکارم الاخلاق» مرحوم طبرسی درج شده است. از جمله وصیت‌های آن حضرت به امام علی (ع) این است که چهار چیز را قبل از چهار چیز در یاب: «شبایک قبل حرمک و صحتک قبل سقمک و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل مماتک» جوانی را قبل از پیری؛ سلامتی را قبل از بیماری؛ بی‌نیازی را قبل از فقر؛ زندگی را قبل از مرگ.

عروض تفکر در طبیعت

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند. ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می‌کند. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هر چند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرن‌ها اهمیت و حساسیت آن شناخته شده و خیر از این حقیقت می‌دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده‌ای که از همه چیز خبر دارد و با آگاهی آنها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبیر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است. از این رو در آیات مختلف به تدبیر و تفکر در طبیعت دستور داده است. چه آنها که به تفکر در مجموعه خلقت امر کرده و چه آنها که به اندیشه در جزء جزء آن، مانند زنبور عسل، شتر، کوه‌ها و نهرها، درختان و میوه‌ها، باران، آفتاب و ماه، خواب و غیر آن فرمان داده است.^(۳۸)

جهان آفرینش آنقدر حیرت‌انگیز و شگفت‌آور است که بشر عادی هیچگاه نمی‌تواند مدعی شود که به تمامی اسرار آن واقف گشته است. و آنچه تاکنون بدان دست یافته، در برابر مجهولاتش همچون قطره‌ای در کنار اقیانوس بیکران است. بر اساس تعلیم قرآن کریم، شماره موجودات الهی و اسرار آن، پایان‌ناپذیر است.^(۳۹)

و دیگری ملذوت. صورت مند ان مسین ظاهر طبیعت، و ملکوت عالم، باطن و حقیقت آن است. و به بیان دیگر، ملکوت جهان جنبه ربطی و وابستگی آن به مبدأ آفرینش است.

تفکر در طبیعت دو دستاورد مهم برای بشر به ارمغان دارد؛ یکی آنکه او را بر طبیعت تسخیر بیشتری می‌بخشد و در جهت بهره‌وری زیادتیر و قانونمندتر به او کمک می‌کند و دیگر این که راه ورود به ملکوت عالم را به روی او باز می‌کند.

بسیاری از متفکران در عملیات فکری و پژوهشی خود، تنها در همین محدوده ملکوت می‌مانند و ورای آن را جستجو نمی‌کنند و در نظر این کسان، جهان طبیعت، جز همین ظاهر آن چیز دیگری نیست.

قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «یعلمون ظاهراً من الحياة الدنيا و هم عن الآخرة هم غافلون» (۵۱) آنان جز ظاهری از زندگی دنیا نمی‌دانند و از ورای آن که جهان آخرت است غافل‌اند.

اینان در تحقیقات خود چنانچه بدان سوی دیگر نیز هدایت شوند، بدان پشت می‌کنند و به حسابش نمی‌آورند.

قرآن کریم درباره آنان می‌فرماید: «... و إن یروا سبیل الرشد لایتخذوه سبیلاً و ان یروا سبیل الفی یتخذوه سبیلاً ذالک بأنهم کذبوا بآیاتنا و کانوا عنها غافلین» (۵۲) اگر راه رشد بر آنان عرضه شود دنبال نمی‌کنند و اگر طریق ضلالت به آنان ارائه شود می‌پذیرند و این بدان خاطر است که نشانه‌ها و آیات ما را تکذیب کرده و از آن غافل‌اند.

در حالی که بر اساس آنچه از آیات قرآنی استفاده می‌شود، تفکر صحیح در پدیده‌ها و موجودات دنیای طبیعت، به جهت ارتباط و پیوستگی عمیق بین ملک و ملکوت، انسان را به صورت قهری به سوی عالم ملکوت هدایت می‌کند. برای نمونه، قرآن کریم می‌فرماید: «الذین یدکرون الله قیاماً و قعوداً و یتفکرون فی خلق السموات و الارض ربنا ما خلقت هذا باطلاً سبحانک فقنا عذاب النار» (۵۳) بر اساس آنچه از آیات قرآنی استفاده می‌شود، تفکر صحیح در پدیده‌ها و موجودات دنیای طبیعت، به جهت

عالم ملکوت هدایت می‌کند.

آنهایی که چه در حال قیام و چه در حال نشستن به یاد خدایند و در آفرینش آسمانها و زمین می‌اندیشند می‌گویند پروردگارا! باطل و بیهودگی در ساحت خلقت راه ندارد. پاک و منزه می. ما را از عذاب جهنم محافظت فرما!

امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گویند: «اگر تدبیر در آفرینش آسمانها و زمین نموده و به صنفهای فرشتگان آسمانی و زمینی و صنفها و طوایف سپاهیان «الله» ایمان آوردی ... حقیقت نفوذ مشیت الهی و حتمیت آن و بسط احاطه آن برای تو مکشوف می‌شود...» (۵۴) در روایتی از امام صادق (ع) آمده است: «أفضل العبادة إدمان التفكير فی الله و فی قدرته» بافضیلت‌ترین عبادتها تداوم تفکر و اندیشه در صفات خدا و مظاهر قدرت او است. (۵۵)

۷- یاد مرگ و قیامت

قرآن کریم یکی از روشهای مؤثر در تربیت را «یاد مرگ و قیامت» دانسته است. این صحیفه آسمانی وقتی پیامبران الهی را به عظمت و بزرگی یاد می‌کند، می‌فرماید: یاد قیامت و سرای آخرت بود که آنها را به این مرتبه والا و مقام و منزلت عالی انسانی رسانید.

«به خاطر بیاور بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب را صاحبان (دستهای نیرومند) و (چشمان بینا) ما آنها را با خلوص و پویه‌ای خالص کردیم و آن یادآوری سرای آخرت بود و آنها نزد ما از برگزیدگان و نیکانند.» (۵۶)

قرآن کریم علت تباهی و سقوط افراد گنهکار را فراموشی قیامت و روز حساب دانسته و می‌فرماید: «کسانی که از راه خداوند گمراه شوند عذاب شدیدی به خاطر فراموش کردن روز حساب دارند.» (۵۷)

بی‌شک یکی از پندآموزترین و تکان دهنده‌ترین حوادث در زندگی بشری «مرگ» است، که توجه بدان قلبهای مستعد را از خواب غفلت بیدار کرده و کاخ آمال و آرزوهای دروغین و خیالی شخص را بر سرش خراب می‌کند و غرور و نخوت را از اعماق جان آدمی ریشه‌کن می‌نماید. یاد

اسلام نیز بدان اشاره شده است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «ذکر الموت یبعث الشهوات فی النفس و یقلع منابت الغفلة و یقوی القلب بمواعد الله و یرقی الطبع و یکسر اعلام الهوی و یطفئ نار الحرص و یحقر الدنيا» (۵۸) یاد مرگ شهوات در نفس را می‌میراند و غفلت انسان را از بین می‌برد و باعث قوت قلب انسان به وعده‌های الهی می‌شود، طبیعت انسان را نرم و هوس را می‌شکند و آتش حرص را خاموش و دنیا را در نظر انسان حقیر می‌کند. رسول اکرم (ص) می‌فرماید: «اکثروا ذکر هادم اللذات» (۵۹) زیاد به یاد از بین برنده لذتهای مادی باشید.

امام علی (ع) می‌فرماید: «اکثروا ذکر الموت تهون علیکم المصائب» (۶۰) زیاد به یاد مرگ باشید تا مصیبتها و سختیهای روزگار بر شما آسان شود.

از پیامبر اکرم (ص) روایت شه که فرمود: «برترین زهد در دنیا یاد مرگ است و برترین عبادت یاد مرگ است و برترین اندیشه یاد مرگ است.» (۶۱)

و نیز فرمود: «زیرک ترین مردم کسی است که بیش تر به یاد مرگ باشد.» (۶۲) «هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، به اندک سرمایه دنیا راضی می‌شود.» (۶۳)

«هر کس زیاد به یاد مرگ باشد، حدیث او را دوست دارد.» (۶۴)

آموزه‌های اسلامی برای تهذیب روح بشر و تربیت وی، موضوع یاد مرگ و قیامت را در ابعاد مختلفی مطرح کرده‌اند که به چند نمونه از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- در طهارت: در دعای وضو می‌خوانیم: خداوندا! صورت مرا سفید گردان در روزی که صورتهای سیاه خواهد بود. «اللهم بیض وجهی یوم تسود فیہ الوجوه»

۲- در نماز: در نماز می‌خوانیم: «مالک یوم الدین» از این که مسئله مالک و صاحب اختیار بودن خداوند در قیامت، در نماز مطرح شده، روشن می‌شود که انسان نمازگزار در نماز باید به یاد قیامت باشد.

۳- در انفاق: «انما نطعمکم لوجه الله ... انا نخاف من ربنا یوماً عبوساً قمطریراً» (۶۵)

يوم القيامة و عطشه»^(۶۶) به وسیله گرسنگی تشنگی روزه، از گرسنگی و تشنگی روز قیامت یاد کنید.

۸- در جهاد: قرآن کریم به کسانی که به بهانه گرمی هوا به جهاد نمی‌رفتند می‌فرماید: «قل نار جهنم اشد حرّاً لو كانوا یفقهون»^(۶۷) ای پیامبر! به آنان بگو آتش دوزخ از این هم گرم‌تر است، اگر می‌دانستید. عزم‌مبارزه با طاغوت: قوم فرعون هنگامی که ایمان آوردند و از فرعون برگشتند، فرعون آنان را به کشتن تهدید کرد آنها برای ادامه مبارزه با او موضوع قیامت را مطرح کردند: «انما تقضى هذه الحیوة الدنيا انا الی ربنا لمنقلبون»^(۶۸)

۷- در حمام: امام صادق (ع) می‌فرماید: «نعم البیت الحمام یذكر فیه حرّ جهنم»^(۶۹) حمام خوب خانه‌ای است، زیرا انسان گرما و حرارت جهنم را در آن به یاد می‌آورد.

۸- در کار و کسب: قرآن کریم، به کسانی که کم فروش‌اند، می‌فرماید: «ایا اینها گمان نمی‌کنند که در روز قیامت (برای محاسبه) مبعوث نمی‌شوند»^(۷۰)

۹- هنگام خواب: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «اذا اویت الی فراشک فانظر ما کسبت فی یومک و اذکر انک میّت و انّ لک معاداً»^(۷۱) هرگاه به رختخواب رفتی، فکر کن در روز چه کاری انجام دادی و مرگ و قیامت را یادآور.

۱۰- عیادت مریض؛ تشییع جنازه؛ زیارت قبور. پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «عودوا المررضی و اتبعوا الجنائز یدکرکم الآخرة»^(۷۲) «فزوروا القبور تذکر الموت»^(۷۳)

۸- مراقبه و محاسبه

یکی از روشهای تربیت در قرآن کریم «مراقبه و محاسبه» است که علمای اخلاق و ارباب معرفت درباره این موضوع بسیار تأکید و توصیه فراوان نموده‌اند.

معنای «مراقبه و محاسبه» مرحوم نراقی در «جامع السعادات» می‌نویسد: معنای «مراقبه» آن است که همیشه ملاحظه کند ظاهر و باطن خود را تا این که اقدام به

معاصی نکند و واجبات از او ترک نشود. این که در هنگام محاسبه ملامت و ندامت متوجه او نشود. و معنای «محاسبه»، این است: که انسان در هر شبانه روز وقتی را معین کند که به حساب نفس خویش برسد که چه اعمالی را انجام داده و طاعتها و گناهانش را موازنه و سنجش نماید و نفس خویش را سرزنش کند. اگر در طاعت الهی تقصیر نموده یا مرتکب معصیت شده، و شکر نماید خداوند را اگر واجبات را انجام داده و معصیتی از او صادر نشده و شکر زیادتری نماید، اگر موفق به بعضی اعمال خیر و مستحبی شده است»^(۷۴)

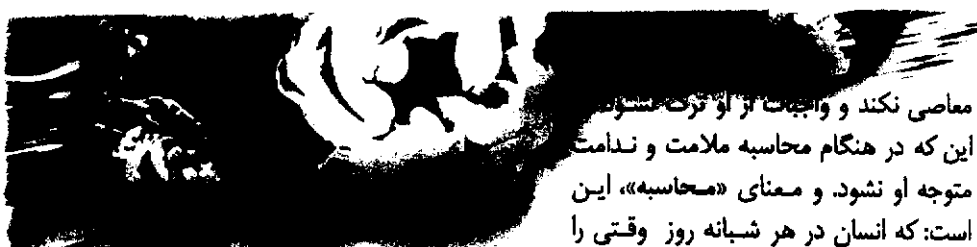
انسان باید همواره در طول روز و تا هنگام استراحت شبانگاهی به کشیک نفس پرداخته و لحظه‌ای از آن غافل نباشد تا وسوسه‌های نفسانی و حالات شیطانی نتواند وی را از جاده حق و اعتدال خارج کرده و به سوی عمل و یا صفتی زشت سوق دهد و یا کار پسندیده را در نظرش به صورت دیگری جلوه دهد و یا با تنبلی و کسالت او را از اقدام و ادامه بر انجام آن منصرف کند.

این قدم بسیار مهمی است که در آغاز، سخت و دشوار است، ولی به تدریج از دشواری آن کاسته و آسان خواهد شد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «رحم الله عبداً راقب ذنبه و خاف ربه»^(۷۵) خداوند رحمت کند بنده‌ای را که مواظب نفس خویش باشد (گناه نکند) و از خداوند خود بترسد.

فیض کاشانی (ره) می‌فرماید «مراقبت» دو قسم است:

اول: مراقبت کسانی که به پایه تقرب رسیده‌اند و از مقربین محسوب می‌شوند؛ به این است که از عظمت و جلال خدا کاملاً مراقبت می‌کنند و قلب را مستغرق جلال او می‌دانند و از هیبت او شگسته حائلند و نمی‌توانند به دیگری توجه کنند و این افراد کسانی‌اند که به غیر از خدا نظری ندارند و خداوند کارهای دیگر آنان را کفایت می‌کند.



دوم: مراقبت مردم پیر و پادشاه که سبب یمین‌اند و آنها افرادی هستند که کاملاً می‌دانند خدا از ظاهر و باطنشان با خبر است و ملاحظه جلال و جمال او آنان را به وحشت نینداخته و دل‌هایشان به حد اعتدال باقی است و از هر عملی که باعث رسوایی در عالم آخرت می‌شود، از آن خودداری می‌نمایند.^(۷۶)

اصولاً حسابرسی و تفتیش نسبت به حالات نفسانی و اعمال صادر شده از شخص در طول روز، از ضروری‌ترین کارهاست که بدون آن هیچ حرکتی رو به سامان نخواهد رفت. انسان در محاسبه است که نقاط ضعف و قوت خود را می‌یابد و به مقدار توانایی خود در برخورد با موانع و غلبه بر عوامل بازدارنده از حرکت به سوی هدف واقف می‌گردد.

امام علی (ع) می‌فرماید: «لازم است انسان عاقل به حساب خود رسیدگی کند و تمام عیبها و زشتی‌هایی را که دارد، نسبت به دین و رأی و اخلاق و ادب این که ثبت و ضبط کند آنها را به ذهن خود بسپارد یا آن که در صفحه کاغذی بنویسد و برای برطرف نمودن آنها فعالیت کند»^(۷۷)

امام رضا (ع) می‌فرماید: «لیس متّامن لم یحاسب نفسه فی کل یوم»^(۷۸) آن کس که همه روزه به حساب خویشتن رسیدگی نکند از ما نیست.

کنترل و اداره نفس، کار آسان و ساده‌ای نیست، بلکه به تدبیر، بردباری و تلاش فراوان نیاز دارد، مگر نفس اماره به این سادگی تسلیم می‌شود؟ و مگر به آسانی پای میز محاکمه و حسابرسی حاضر می‌گردد؟ در این که چگونه به حساب خود بپردازیم، باید گفت: یکی از راه‌هایی که در حسابرسی نفس، مؤثر و مفید است، این است که انسان به یاد محاسبه شدید و سخت قیامت بیفتد

که در آن هنگام از جن و انس حسابرسی دقیق می‌کنند. قرآن کریم می‌فرماید: «سنفرغ لکم ایة الشقلان»^(۳۱) به زودی به حساب شما می‌پردازیم ای دو گروه انس و جن!

امام علی (ع) می‌فرماید: «حاسبوا انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توازنوا»^(۳۱) قبل از آن که در قیامت به حساب شما برسند، در دنیا به حساب خود بپردازید و قبل از آن که کارهای شما را بسنجند، خود را بسنجید.

قرآن در آیات متعدد موضوع حسابرسی قیامت را مطرح نموده که به جهت اختصار به چند مورد اشاره می‌کنیم:

۱- «و ان تبدوا ما فی انفسکم او تخفوه یحاسبکم به الله»^(۳۱) اگر آنچه را در نفس دارید ظاهر سازید یا مخفی کنید، خدا شما را به آن حساب خواهد کرد.

۲- «و نضع الموازین القسط لیوم القیامة فلا تظلم نفس شیئاً و ان کان مثقال حبة من خردل اتینابها و کفی بنا حاسبین»^(۳۲) میزانهای عدالت را در قیامت برپا می‌داریم، پس هیچ کس مورد ستم قرار نخواهد گرفت و اگر به مقدار یک مثقال از دانه خردل، عمل داشته باشد آن را برای حساب خواهیم آورد و خود ما برای حسابگری کافی هستیم.

۳- «یومئذ الناس اشتاتاً لیروا اعمالهم فمن یعمل مثقال ذرّة خیراً یره و من یعمل مثقال ذرّة شرّاً یره»^(۳۳) در قیامت مردم دسته دسته خارج می‌شوند تا اعمالشان را مشاهده کنند پس هر کسی ذرّه ای کار خیر انجام داده باشد آن را خواهد دید و هر کس ذرّه ای کار شر انجام داده باشد آن را مشاهده خواهد نمود.

قرآن کریم برای تربیت بشر در مورد فراوانی می‌فرماید: خداوند قریب و عالم به اعمال شما است: «همانا خداوند بر اعمال شما مراقب و حافظ و آگاه است»^(۳۴)

حضرت عیسی (ع) می‌فرماید: هنگامی که مرا از میانشان گرفتی تو خود مراقب آنها بودی. از آیات قرآن به استفاده می‌شود که همه اعمال و حرکات و گفتار و حتی نفس کشیدن آنها و افکار و نیات آدمی در نامه عملش ثبت و ضبط می‌گردد و برای حساب قیامت

باقی می‌ماند از این رو، بر هر انسان مؤمن لازم است مواظب و مراقب نفس خویش باشد که گناه نکند و فرائض الهی از او ترک نشود. قرآن کریم می‌فرماید: «و وضع الکتب فتری المجرمین مشفقین مما فیہ و یقولون یا ولینا ما لهذا الکتب لایغادر صغیرة و لا کبیرة الا احصاها و وجدوا ما عملوا حاضرا و لا یظلم ربک احدا»^(۳۵) و کتاب نهاده می‌شود، پس مجرمین را می‌بینی که از آنچه در نامه عملشان به ثبت رسیده، ترسانند و می‌گویند: ای وای این کتاب چگونه هیچ امر کوچک و بزرگ را فرو نگذاشته، مگر آن که آن را به شمار آورده است و همه اعمالشان را حاضر می‌یابند و پروردگارت به هیچ کس ظلم نمی‌کند. «یوم تجد کل نفس ما عملت من خیر محضراً و ما عملت من سوء تود لو ان بینها و بینه امدأ بعیداً»^(۳۶) روز قیامت هر کسی هر عمل خیری را انجام داده، حاضر می‌یابد و نیز هر عمل بدی را مرتکب شده حاضر می‌یابد و آرزو می‌کند که بین او و عملش فاصله زیادی باشد.



پی‌نوشت‌ها:

۱. سوره تحریم، آیه ۱۱ و ۱۲.
۲. سوره هود، آیه ۲۶-۳۲.
۳. سوره کهف، آیه ۲۶-۹.
۴. سوره اعراف، آیات ۱۱۳ و ۱۲۰؛ سوره یونس، آیه ۸۰ به بعد؛ سوره شعراء، آیه ۲۸-۴۶.
۵. سوره یوسف، آیات ۲۱-۵۶.
۶. سوره کهف، آیات ۹-۲۶.
۷. سوره ابراهیم، آیات ۲۵-۴۱، سوره حج، آیه ۵۸، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵؛ سوره صافات، آیات ۸۳-۱۱۳.
۸. سوره ابراهیم، آیات ۲۵-۴۱، سوره حج، آیه ۵۸، ۲۶، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵؛ سوره شعراء، آیات ۲۵-۴۱، سوره صافات، آیات ۸۳-۱۱۳.
۹. سوره اعراف، آیات ۵۹-۶۴؛ سوره یونس، آیات ۷۱-۷۳؛ سوره نوح، آیات ۱-۲۷؛ سوره هود، آیات ۲-۴۹؛ سوره صافات، آیات ۷۵-۸۲.
۱۰. سوره نساء، آیه ۱۶۳؛ سوره انعام، آیه ۳۴؛ سوره انبیاء، آیات ۸۳ و ۸۴؛ سوره ص، آیات ۳۱-۳۴.
۱۱. سوره سبأ، آیات ۳-۱۳؛ سوره ص، آیات ۱۷-۲۶؛ سوره انبیاء، آیات ۷۸-۸۰؛ سوره بقره، آیه ۲۵۱.
۱۲. سوره انعام، آیه ۹۰.
۱۳. سوره احزاب، آیه ۲۱.
۱۴. سوره قلم، آیه ۴.
۱۵. حاج شیخ عباس قمی، سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۰.
۱۶. سوره توبه، آیه ۱۲۸.
۱۷. سوره فاطر، آیه ۸.
۱۸. سوره کهف، آیه ۶.
۱۹. سوره شعراء، آیه ۳.
۲۰. نهج البلاغه، خطبه: ۱۹۲.
۲۱. مفردات راضی اسفهان، ص ۴۸؛ تفسیرالمیزان، ج ۲، ص ۱۳۷.
۲۲. سوره طه، آیه ۳؛ سوره کهف، آیه ۶؛ سوره شعراء، آیه ۳؛ سوره نحل، آیه ۸۲.
۲۳. زمخشری، کشاف، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲۴. فخررازی، تفسیرالکبیر، ج ۶، ص ۱۴.
۲۵. سوره بقره، آیه ۲۱۳.
۲۶. سوره کهف، آیه ۵۶.
۲۷. سوره نازعات، آیه ۳۵.
۲۸. سوره یس، آیه ۷۰.
۲۹. سوره یونس، آیه ۵۷.
۳۰. سوره بقره، آیه ۶۶؛ سوره آل عمران، آیه ۱۳۸؛ سوره مائده، آیه ۴۶؛ سوره نور، آیه ۳۳.
۳۱. سوره لقمان، آیه ۱۳.
۳۲. سوره سبأ، آیه ۳۶.
۳۳. استاد شهید مطهری، ده گفتار، ص ۲۳۴.
۳۴. سوره لقمان، آیه ۱۳.
۳۵. سوره هود.
۳۶. صحیفه سجادیه، دعای ۲۰، مکارم الاخلاق.
۳۷. سوره اعراف، آیه ۶۲.
۳۸. سوره اعراف، آیه ۶۸.
۳۹. همان، آیه ۹۳.
۴۰. همان.
۴۱. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۵۸.
۴۲. فروع کافی، ج ۳، ص ۳۶۶-۳۶۷.
۴۳. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۲۲۸.
۴۴. تحف العقول، ص ۳۶۸.
۴۵. سوره مریم، آیه ۳۱.
۴۶. سوره عنکبوت، آیه ۸.
۴۷. همان.
۴۸. سوره صبر، آیه ۲-۳.
۴۹. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱؛ سوره رعد، آیه ۳؛ سوره نحل، آیات ۱۰-۱۱ و ۶۹؛ سوره غاشیه، آیات ۱۷-۲۰؛ سوره نبا، آیه ۶-۱۶.
۵۰. سوره لقمان، آیه ۲۷؛ سوره کهف، آیه ۱۰۹.
۵۱. سوره روم، آیه ۷.
۵۲. سوره اعراف، آیه ۱۴۶.
۵۳. سوره آل عمران، آیه ۱۹۱.
۵۴. شرح دعای سحر، ص ۱۸۷.
۵۵. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ابواب جهاد نفس، باب ه ح ۱ ص ۱۵۳.
۵۶. سوره ص، آیه ۳۶.
۵۷. همان، آیه ۲۶.
۵۸. بحارالانوار، ج ۶، ص ۱۳۳-۱۳۳.
۵۹. همان.
۶۰. همان.
۶۱. همان، ص ۱۳۷.
۶۲. همان، ص ۱۳۵.
۶۳. همان، ص ۱۳۶.
۶۴. همان، ج ۱۶، ص ۲۶۵.
۶۵. سوره انسان، آیه ۱۰.
۶۶. بحارالانوار، ج ۹۶، ص ۳۵۶.
۶۷. سوره توبه، آیه ۸۱.
۶۸. سوره طه، آیه ۷۲.
۶۹. بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۷۷.
۷۰. سوره مطففین، آیه ۴.
۷۱. بحارالانوار، ج ۷۶، ص ۱۹۰.
۷۲. مستدرک، ج ۱، ص ۱۱۹.
۷۳. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۵۳۰.
۷۴. جامع السماعات، ج ۳، ص ۶۴۰.
۷۵. غررالحکم.
۷۶. حقایق، ص ۳۰۴.
۷۷. بحارالانوار، ج ۱۷، ص ۱۱۶.
۷۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۴۵۵.
۷۹. سوره الرحمن، آیه ۲۶.
۸۰. غررالحکم، ص ۳۸۵.
۸۱. سوره بقره، آیه ۲۸۳.
۸۲. سوره انبیاء، آیه ۴۷.
۸۳. سوره زلزال، آیه ۸.
۸۴. سوره نساء.
۸۵. سوره کهف، آیه ۴۹.
۸۶. سوره آل عمران، آیه ۳۰.